

Critical approach to prosecuting and investigating the crimes of legal entities in the territory Criminal Procedure Code approved in 1392

Fereydoon Jafari
Hamed Chegini
Sajjad Kazemi

Abstract

Due to the abstract and credit nature of legal entities, the manner in which these individuals commit crimes is different from that of natural persons. Legal entities have committed crimes through their representatives, and therefore it is necessary to lay down the rules and rulings for prosecuting and investigating their crimes differently from the investigation of crimes. The Code of Criminal Procedure provided for the investigation of the crimes of such persons. It was clear from the beginning that these nine articles could not cover the entire process of investigating the crimes of legal entities from the beginning to the end, so there were challenges and obstacles in prosecuting and investigating the crimes of legal entities that need to be identified and solutions. Challenges and obstacles such as summoning a legal entity, issuing a criminal warrant, informing the charge, dissolving the legal entity during the preliminary investigation or the possibility of legal entities having access to some favorable institutions are the defendant of these challenges. The present study tries to provide solutions to face such challenges and obstacles in order to conduct a preliminary investigation of crimes of legal entities in a descriptive-analytical method and using library resources.

Keywords: Legal Entity, Prosecution, Preliminary Investigation, Representative, Challenge



رویکرد انتقادی به تعقیب و تحقیق جرایم اشخاص حقوقی در قلمرو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۱

فریدون جعفری^۲

حامد چگینی^۳

سید سجاد کاظمی^۴

چکیده

با توجه به ماهیت انتزاعی و اعتباری اشخاص حقوقی شیوه ارتکاب جرم این اشخاص متفاوت از اشخاص حقیقی است. اشخاص حقوقی از طریق نمایندگانشان مرتکب جرم شده و لذا ضرورت دارد مقررات و احکام تعقیب و رسیدگی به جرایم ایشان نیز متفاوت از رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی وضع گردد. در سال ۱۳۹۲ موازی با شناسایی صریح مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، قانونگذار فصلی نه ماده ای را در قانون آیین دادرسی کیفری برای رسیدگی به جرایم این قبیل اشخاص پیش بینی نمود. از همان ابتدا واضح بود این نه ماده نمی تواند تمام فرایند رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی از ابتدا تا انتها را پوشش داده لذا چالش ها و موانعی در راستای تعقیب و تحقیق جرایم اشخاص حقوقی متصور بوده که نیازمند شناسایی و ارائه راهکار می باشد. چالشها و موانعی از قبیل احضار شخص حقوقی، صدور قرار تامین کیفری، تفهیم اتهام، انحلال شخص حقوقی در جریان تحقیقات مقدماتی و یا امکان برخورداری اشخاص حقوقی از برخی نهادهای مساعد به حال متهم از این چالشها است. پژوهش حاضر تلاش دارد به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به ارائه راهکارهایی برای مواجهه با این قبیل چالش ها و موانع در راستای انجام تحقیقات مقدماتی جرایم اشخاص حقوقی بپردازد.

واژگان کلیدی: شخص حقوقی، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، نماینده، چالش.

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۹/۰۷/۲۰، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

۲- استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران؛

jafari.fereydoon@gmail.com

نویسنده مسئول

۳- دانشجوی دکتری جزا و جرم شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

۴- استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، همدان، ایران

درآمد

هرچند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در سایر قوانین ایران به صورت موردی مقرر شده بود اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اقتباس از قوانین کیفری فرانسه با تصویب ماده ۱۴۳ برای نخستین بار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به صورت استثنایی در کنار اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار داد و آنها را از طریق رفتار نمایندگانشان مسئول شناخت و در ماده ۲۰ الی ۲۲ مجازات های متناسب و مختص این اشخاص را مقرر نمود. (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۸) در بسیاری از کشور های دیگر نیز مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است لیکن عده ای نیز همچنان از انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی خودداری می کنند و مسئولیت مدنی و اداری را برای اشخاص حقوقی در نظر می گیرند و معتقدند یک سیستم جامع اداری اهداف بازدارندگی را در خصوص شخص حقوقی محقق می کند و کم هزینه تر است. (Candeub, 2006,43) پس از شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، قانونگذار در مرحله بعد اقدام به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ویژه اشخاص حقوقی نمود و فصل یازدهم از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را مشتمل بر نه ماده به آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی اختصاص داد. با توجه به نقش و جایگاه اشخاص حقوقی در جوامع امروزی شناسایی مسئولیت کیفری و اختصاص آیین دادرسی کیفری افتراقی و ویژه برای این اشخاص از اقدامات موثری بود که توسط قوه قانونگذاری ایران انجام شد لیکن با توجه به اینکه این مصوبات برای اولین بار و بدون سابقه تقنینی مورد تصویب قرار گرفت و خصوصاً با توجه به اینکه در زمان تدوین قانون آیین دادرسی کیفری هنوز قانون مجازات اسلامی به صورت کامل نوشته نشده بود، فصل یازدهم قانون آیین دادرسی کیفری که مختص آیین دادرسی اشخاص حقوقی است پیش بینی نشده بود و زمانی که این قانون مراحل آخر تصویب را می گذراند، قانون مجازات اسلامی ابلاغ و نظام مشخصی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ارائه شد و همین موضوع سبب شد فصل یازدهم قانون آیین دادرسی کیفری با تصویب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی به صورت شتابزده به قانون آیین دادرسی کیفری الحاق شود. این موضوع سبب شد که قانون آیین دادرسی

پیش بینی شده برای اشخاص حقوقی با ایرادات، موانع و چالشهای اساسی همراه باشد. به نظر می‌رسد تا زمانی که این موانع و ایرادات در دادرسی اشخاص حقوقی وجود دارد مقصود اصلی قانونگذار از شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی محقق نخواهد شد. قوانین کیفری زمانی اهداف اصلی خود را مبنی بر پیشگیری از وقوع جرم و مجازات مجرمین و محقق خواهند نمود که یک سیستم دادرسی بدون ایراد و یا حداقل کم‌نقص آنها را اجرایی نماید لیکن متأسفانه قوانین پیش بینی شده در آیین دادرسی کیفری اشخاص حقوقی به دلایل ذکر شده دارای ابهام، مانع و چالش هستند که این موارد با انجام امور پژوهشی، تحقیقی و کارشناسی باید شناسایی شده و جهت رفع آنها اقدام کرد.

همان‌طور که ذکر شد بخش یازدهم قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۶۸۸ لغایت ۶۹۶) مختص جرایم اشخاص حقوقی است و ابهامات، موانع و چالشهای فراوانی در این بخش از قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد که از جمله این ایرادات، مواردی چون عدم کفایت مقررات دادرسی کیفری اشخاص حقوقی، ضعف قوانین و متولیان کشف جرایم اشخاص حقوقی، فرایند احضار، تبیین اتهام و... را شامل می‌شود. در این پژوهش سعی خواهد شد موانع، ابهامات و ایرادات موجود در قوانین دادرسی ویژه اشخاص حقوقی شناسایی شده و سپس در جهت رفع این موارد راهکارهایی کارشناسی شده ارائه گردد و به این پرسشها پاسخ داده شود که فرایند تحقیقات مقدماتی اشخاص حقوقی چگونه است و در این فرایند چه چالشهای تقنینی و دادرسی وجود دارد؟ هم‌چنین چه راهکارهایی را برای رفع این موانع و چالشها می‌توان در نظر گرفت و بکار بست؟

لازم به ذکر است با توجه به اینکه قانونگذار ایران در شناسایی مسئولیت کیفری و تدوین آیین دادرسی کیفری اشخاص حقوقی از قانون فرانسه اقتباس نموده است، در جهت بهبود کار سعی خواهد شد در ارائه مطالب تطبیق مختصری با مجموعه قوانین کیفری فرانسه نیز اعمال شود.

در خصوص پیشینه پژوهش باید بیان نمود که آقای دکتر فرید محسنی و امین نیکومنظری مقاله‌ای را تحت عنوان چالشهای نظری و عملی فرآیند تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات اشخاص حقوقی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

در مجله پژوهشنامه حقوق کیفری به چاپ رسانده اند که علیرغم ارزشمند بودن مقاله مذکور، در این مقاله به بحث تحقیقات مقدماتی اشخاص حقوقی به صورت کاملاً جزئی پرداخته شده و بیشتر فرایند دادرسی در دادگاه و اجرای مجازات مورد رسیدگی قرار گرفته است. همچنین آقای دکتر ابراهیم قدسی و حسین فاضلی مقاله ای تحت عنوان چالشهای تحقیقات مقدماتی اشخاص حقوقی در مجله حقوقی دادگستری منتشر نموده که ضمن مفید بودن مقاله مذکور باید بیان کرد که علیرغم اینکه عنوان آن مقاله تحقیقات مقدماتی اشخاص حقوقی است لیکن عمده مباحث به مسئولیت کیفری و انواع شخص حقوقی پرداخته شده است. لذا با توجه به اینکه پژوهش پیش روزه ابتدا تا انتهای تحقیقات مقدماتی اشخاص حقوقی را با رویکرد انتقادی مورد بررسی و نقد قرار داده و برای هر مرحله از تحقیقات مقدماتی به صورت اختصاصی مباحث مربوطه را ارائه نموده و با یک رویکرد انتقادی چالش ها و موانع آنها را مورد بررسی قرار داده و در انتهای هر بحث اقدام به ارائه راهکار نموده است، بنابراین پژوهش حاضر دارای نوآوری است.

۱. ناکافی بودن مقررات دادرسی کیفری در رسیدگی به جرایم

اشخاص حقوقی

قانون آیین دادرسی کیفری به نحوی تصویب شده که غالب مباحث آن اشخاص حقیقی را شامل می شود و آنچه مسلم است این که بخش عمده قوانینی که در دادرسی اشخاص حقیقی پیش بینی شده، در خصوص اشخاص حقوقی قابلیت اجرا نخواهد داشت و نمی توان آنها را برای اشخاص حقوقی مقرر و ثابت دانست. بیشتر مواد قانون آیین دادرسی چنان تنظیم شده اند که در آن با توجه به اصالت مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مقررات با فرض اینکه اشخاص حقیقی مرتکب جرم شده اند تدوین یافته و به جرایم اشخاص حقیقی رسیدگی می شود. اما امروزه نقش و جایگاه اشخاص حقوقی در زندگی اشخاص حقیقی و دنیای امروز انکار ناپذیر است. بسیاری از حقوق و تکالیف بر عهده این اشخاص قرار گرفته و نقش روز افزون اشخاص حقوقی در زندگی انسان به طوری است که تامین بسیاری از نیازهای زندگی کنونی از ارتباط با این اشخاص تامین می شود و عدم این ارتباط اخلال در

زندگی روزمره را در پی خواهد داشت (جعفری هرنسدی، ۱۳۸۴: ۵۶). لذا با این تفاسیر اشخاص حقوقی نیز مرتکب جرم خواهند شد و آنچه مسلم است این است که با توجه به اینکه قانون آیین دادرسی کیفری قانونی است که ماهیت آن بر مبنای زندگی اشخاص حقیقی تنظیم شده لذا قانون مذکور جوابگوی نحوه و فرایند رسیدگی به دعاوی کیفری اشخاص حقوقی نیست. در رفع این چالش بهتر بود قانونگذار به جای اختصاص صرفاً نه ماده جهت رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی، قانونی مجزا جهت رسیدگی به جرایم این اشخاص تصویب می کرد و یا رسیدگی به جرایم این اشخاص را به طور مفصل تری مورد تصویب قرار می داد تا از صدور آرای متفاوت و رویه های متعارض محاکم پیشگیری شود. پیشنهاد دیگر این است که ذیل هر ماده یا مقرره ای طی تبصره یا بندی تفاوت های رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی بیان گردد مثلاً قرار های مربوط به تامین کیفری اشخاص حقوقی در فصل مربوط به قرارها آورده شود.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز علیرغم اینکه قانونگذار در خصوص اشخاص حقوقی اقدام به تصویب قانون دادرسی خاص این اشخاص نموده است و در بخش هجدهم قانون آیین دادرسی کیفری مواد ۴۱-۷۰۶ لغایت ۴۶-۷۰۶ را به تعقیب، تحقیق و دادرسی در جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی اختصاص داده، لیکن به دلیل عدم کفایت پیش بینی های قانونی لازم، همچنان در اکثر موارد در رسیدگی به جرایم اشخاص مذکور مطابق با مقررات عمومی و مقررات مربوط به اشخاص حقیقی اعمال می شود. (Deckret, 20011: 147)

به نظر می رسد اختصاص عمده مقررات دادرسی کیفری به اشخاص حقیقی بزرگترین مشکل و چالش فعلی در خصوص رسیدگی به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی می باشد.

۲. کشف جرم و شناسایی شخص حقوقی مرتکب

یکی از چالشهای مهم انجام تحقیقات مقدماتی جرایم اشخاص حقوقی در مرحله کشف جرم، مسئله شناسایی شخص حقوقی مرتکب است. در ق.آ.د.ک کشف جرایم شخص حقوقی از شرایط و قوانین کشف جرم شخص حقیقی تبعیت

می‌کند و در زمینه کشف جرایم شخص حقوقی مقررات علیحده‌ای پیش‌بینی شده است و همین موضوع یکی از پرچالش‌ترین موضوعات در تحقیقات مقدماتی جرایم شخص حقوقی است چرا که ماهیت و نوع جرایم شخص حقوقی غالباً بسیار متفاوت با رفتارهای مجرمانه شخص حقیقی است. قدرت اقتصادی بالای اشخاص حقوقی خصوصاً اشخاص حقوقی بزرگ، دشواری اثبات رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و جرائم ارتكابی فرافکنی و عدم پذیرش مسئولیت رفتار ارتكابی از سوی شخص حقوقی همگی از عواملی هستند که جرایم این اشخاص را به صورت پنهان باقی می‌گذارد و کشف و رسیدگی به آنها را با مشکلات متعدد مواجه می‌سازند. جرایم اشخاص حقوقی به نحوی هستند که بزه دیدگان جرایم این اشخاص به صورت جمعی و غیرمستقیم مورد بزه دیدگی قرار می‌گیرند. بسیاری از جرایم شخص حقوقی، وضعیت، بهداشتی، سلامت و امنیت جامعه را متضرر می‌کند و بزه دیدگان این جرایم طیف قابل توجهی از افراد جامعه می‌باشند. اثبات رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و زیان‌ها و خسارات وارده معمولاً دشوار و یا حتی غیر ممکن است و تعداد بالای بزه دیدگان این جرایم سبب می‌شود که شناسایی شخص حقوقی مرتکب و رسیدگی به این گونه جرایم و در نهایت محکومیت شخص حقوقی مجرم سالها طول بکشد نمونه این موارد را می‌توان یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌ها معروف به پرونده خون‌های آلوده مثال زد. ایران در اوایل دهه شصت جهت درمان بیماران هموفیلی اقدام به ورود خون از کشور فرانسه نمود. به دلیل آلوده بودن این خونها به ویروس ایدز حدود ۲۰۰۰ نفر از مصرف‌کنندگان به بیماری ایدز مبتلا شدند. با توجه به تعداد بالای بزه دیدگان این رفتار و همچنین دشواری اثبات رابطه علیت و اقداماتی چون فرافکنی اشخاص حقوقی مسئول، و نابرابری قدرت و جایگاه بزه دیدگان و اشخاص حقوقی مرتکب، رسیدگی به این پرونده بیش از دو دهه به طول انجامید و در نهایت دادگاه در سال ۱۳۸۳ وزارت بهداشت و درمان و سازمان انتقال خون را مسئول شناخت و محکوم به پرداخت دیه نمود هرچند بسیاری از این خسارات تاکنون نیز پرداخت نشده است.

عدم کشف جرم شخص حقوقی تا حد بسیار بالایی متأثر از عدم پیش‌بینی قوانین خاص و سپس ضعف متولیان کشف جرم است. با توجه به گستردگی اشخاص

حقوقی و با توجه به اینکه رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی در محیط‌های فنی و زیر لوای دانش و تخصص مرتکبین تحقق پیدا می‌کند کشف این جرایم از سوی ضابطین عام دادگستری دشوار و بعضاً غیر ممکن است در حالی که در اغلب موارد در قانون آیین دادرسی کیفری کشف جرم شخص حقوقی به ضابطین عام واگذار شده است در حالی که این افراد غالباً فاقد تخصص و تحصیلات مرتبط بوده و دوره‌های آموزشی لازم را نیز در این خصوص سپری نکرده‌اند و در حوزه‌های تخصصی جرم شخص حقوقی نیز هیچ‌گونه تجربه و مهارتی ندارند لذا بهتر است قانونگذار در کشف جرایم شخص حقوقی ضابطان خاص را پیش‌بینی کند و کشف جرایم این اشخاص را به صورت اختصاصی مورد تصویب قرار دهد. یک ضابط خاص دارای تحصیلات و تجربه بالا تنها در صورتی قادر به کشف رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی است که آگاهی کافی در خصوص فرایند چگونگی ارتکاب جرم و روش‌های نوین نقض قانون را داشته باشد در حالی که در حال حاضر متولیان کشف جرایم شخص حقوقی در بیشتر حوزه‌ها به چنین مهارت و دانشی مجهز نشده‌اند و بالعکس این افراد، اشخاص حقوقی مجرم خلاء‌های نظام کشف جرم و بازرسی را شناسایی نموده و با بهره‌گیری از آن اقدام به انجام اعمال مجرمانه می‌کنند (شکریان، ۱۳۹۰: ۶۴).

در این زمینه نیاز است ضمن اختصاصی کردن بازرسی‌ها و آموزش تخصصی به ضابطین دادگستری با پیش‌بینی قوانین و یا آیین‌نامه‌هایی مبنی بر نظارت‌های کنشی دقیق و مستمر در کشف جرایم و شناسایی اشخاص حقوقی مجرم اقدام نمود. استفاده از مخبرین و افشاکنندگان نیز می‌تواند در کشف جرایم شخص حقوقی تاثیر بالایی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جرایم شخص حقوقی فاقد بزه دیدگان مستقیم و آثار مشهود هستند یکی از راه‌های موثر در شناسایی این جرایم استفاده از مخبرین و افشاگران است. مخبرین و افشاگران معمولاً از کارکنان داخلی شخص حقوقی هستند که با توجه به اطلاعاتی که در دست دارند می‌توانند نهادهای ذیصلاح را از تحقق جرم مطلع نمایند اما با توجه به اینکه حمایت خاصی از این افراد در قوانین مختلف خصوصاً قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است، این اشخاص نیز اقدام به ارائه گزارش نمی‌کنند و با توجه به اینکه قوانین جزایی ایران گزارش‌دهی از جرایم اشخاص حقوقی را

اجباری ندانسته است کشف و شناسایی جرایم شخص حقوقی با دشواری روبه رو است (شکریان، ۱۳۹۰: ۶۹).

در فرانسه قانونگذار با در نظر گرفتن پاداش جهت مخبری سعی در حمایت از مخبران نموده است (جعفری ۱۳۸۶: ۱۱۵) قانونگذار فرانسه در جهت ترغیب مخبران به افشای جرایم اشخاص، در ماده ۶۱-۷۰۶ قانون جزایی برای مواجهه با متهم با مخبر شرایط خاصی را پیش بینی نموده است و مقرر داشته است که مواجهه مخبر با متهم نباید به صورت مستقیم یا غیر مستقیم منجر به افشای هویت مجرم شود (مهدوی پور، ۱۳۹۴: ۱۵۲). در حقوق کیفری فرانسه علاوه بر موارد مذکور پیش بینی های دیگری در جهت ارائه اطلاعات از طرف اشخاص مبنی بر اعلام جرم خصوصاً جرایم اشخاص حقوقی و جرایم اقتصادی به عمل آمده است مانند آنکه در جهت تشویق متهمین به انصراف و بازگشت از ادامه ارتکاب جرم برای این قبیل مجرمین امتیازات و مساعدت هایی در نظر گرفته است. قانون جزای فرانسه در ماده ۷۸-۱۳۲ (الحاقی به موجب قانون ۱۹ مارس ۲۰۰۴) مقرر داشته است شخصی که شروع به جرمی نماید و با آگاه کردن مسئولان اداری یا قضایی از تحقق جرم جلوگیری کرده و در صورت مقتضی دیگر مرتکبان و شرکای جرم را شناسایی کند طبق قانون، مجازات از او ساقط می شود. این قبیل امور در فرانسه بیشتر برای جرایم اقتصادی، جرایم اشخاص حقوقی و جرایم سازمان یافته کاربرد دارد (senat 2003:9). هر چقدر نظارت نهادهای نظارتی بر اشخاص حقوقی بیشتر باشد این اشخاص بیشتر مکلف به ارائه گزارش جرم خواهند شد و تهدید تعقیب کیفری و اعمال ضمانت اجرا موجب تعامل بیشتر اشخاص حقوقی و نهادهای نظارتی در زمینه کشف جرم خواهد شد (سیمپسون، ۱۳۹۵: ۵۸).

۳. احضار و تبیین اتهام شخص حقوقی

قانونگذار در ماده ۶۸۸ و ۶۸۹ ق.آ.د.ک در بحث احضار و تفهیم اتهام به شخص حقوقی روشی متفاوت نسبت به شخص حقیقی را در پیش گرفته و همین موضوع موجب رسیدگی کیفری افتراقی به جرائم شخص حقوقی شده است به نحوی که در احضار شخص حقوقی به عنوان متهم باید نماینده شخص حقوقی

احضار شود و بحث تفهیم اتهام در شخص حقوقی جایگاهی ندارد بلکه با عنوان جدیدی به نام «تبیین اتهام» مواجه هستیم که در ادامه به بحث و بررسی این موارد می پردازیم.

۳-۱. احضار شخص حقوقی

احضار شخص حقوقی به عنوان متهم، با توجه به اینکه انتساب مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی دارای شرایط خاصی است، لذا رویه قضایی ایران به نحوی است که برای مسئول قلمداد کردن شخص حقوقی، تنها شخص حقیقی فعال در کسوت نمایندگی که غالباً مدیر شخص حقوقی یا از مقامات ارشد شخص حقوقی هستند؛ در برابر مراجع کیفری پاسخگو می باشند، براین اساس نماینده شخص حقوقی باید در مراجع قضایی حضور پیدا کرده و به عنوان نماینده قانونی متهم تحت بازجویی و تحقیق قرار گیرد لذا نحوه احضار و انجام تحقیقات از شخص حقوقی به عنوان متهم در ماده ۶۸۸ ق.آ.د.ک بیان شده است: «هرگاه دلیل کافی برای اتهام به شخص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست». مطابق با نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه منظور از نماینده قانونی شخص حقوقی هرکسی است که به موجب قانون و یا اساسنامه دارای اختیار در دفاع از دعای طرح شده علیه شخص حقوقی است.^۱

در بسیاری از موارد یک شخص حقوقی ممکن است با توجه به ماهیت کاری خود، چندین نماینده در حوزه‌های مختلف اعم از اداری، مالی، کیفیت و... داشته و اختیارات این حوزه ها به آنها واگذار شده باشد لذا در احضار نماینده باید نماینده ای که مرتبط با اتهام انتسابی است احضار شود. (Emmanuel : 2003, 29) با توجه به اینکه معمولاً نماینده قانونی هر شخص حقوقی رئیس، مدیر عامل، رئیس هیات مدیره و یا سایر مقامات ارشد شخص حقوقی می باشند احضار هریک از این

۱- نظریه شماره ۷/۹۷/۱۶۶ مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

افراد، شخص حقوقی را با مشکلاتی مواجه خواهد کرد چرا که احضار این اشخاص علاوه بر اینکه ممکن است نسبت به حسن شهرت شخص حقوقی آسیب وارد نماید و اثرات منفی به جای گذارد، گاهاً ممکن است افراد مذکور با مسائل و مباحث حقوقی آشنایی نداشته باشند و این موضوع سبب تضییع حقوق متهم گردد لذا بهتر بود قانونگذار به جای تکلیف حضور نماینده قانونی، حضور نماینده حقوقی را جهت احضار و انجام تحقیقات مقدماتی تکلیف می‌کرد و به جای اینکه در همان گام نخست رئیس یا مدیر عامل احضار شود نماینده حقوقی شخص حقوقی احضار گردد. علاوه بر این موضوع با توجه به فعالیت‌های اقتصادی و مالی شخص حقوقی در بسیاری از موارد خصوصاً در بحث جرایم مالی ممکن است نماینده قانونی شخص حقوقی خود در ارتکاب رفتار مجرمانه نقش داشته باشد پس به طور یقین احضار چنین شخصی به عنوان نماینده قانونی کار معقولی به نظر نمی‌رسد بعلاوه آنکه مدیران و روسای شخص حقوقی که از آنان تحت عنوان نماینده قانونی نام می‌بریم به دلایل حجم کار بالا، مشغله‌های حرفه‌ای و کاری و سایر موضوعات آنقدر درگیر مباحث مختلف هستند که معمولاً امکان حضور در مراجع قضایی را نخواهند داشت ضمن آنکه معرفی و کیل از طرف شخص حقوقی نیز می‌تواند هزینه‌های اضافی بر اشخاص حقوقی تحمیل نماید و تامین این هزینه‌ها و حق الوکاله و کیل ممکن است اشخاص حقوقی، خصوصاً اشخاص حقوقی کوچک را با مشکلات مالی مواجه نماید.

البته مشکل فوق تا حدودی با دستورالعملی که ریاست قوه قضائیه تحت عنوان «احضار شخص حقوقی»^۱ صادر نموده بر طرف شده است اما بهتر است این چالش توسط مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مرتفع شود چرا که ممکن است برخی از قضات از دستورالعمل مذکور تبعیت نکرده و قانون را به عنوان مرجع مافوق ملاک عمل قرار دهند. ایراد دیگری هم که به این بخشنامه وارد است اینکه وقتی قانون‌گذار شخص مدیرعامل را مسئول می‌داند ما چگونه از احضار این فرد خودداری کنیم و آیا با صدور یک بخشنامه این امکان وجود دارد که با علم به این

۱- «در مورد پرونده‌های مرتبط با اشخاص حقوقی لازم است به جای احضار مدیرعامل با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار شود تا نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید...».

که نهاد قوه قضائیه مکلف به اجرای قانون است نه نهاد قانون‌گذاری، بتوانیم جلوی اجرای قانون را گرفته و شخص حقوقی را جایگزین شخص حقیقی کنیم؟
در سیستم حقوق کیفری فرانسه مطابق با ماده ۴۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت فقدان شخص صالح برای نمایندگی شخص حقوقی، رئیس دادگاه به درخواست دادسرا، بازپرس یا مدعی خصوصی، نماینده دادگستری را برای نمایندگی شخص حقوقی انتخاب می‌کند (تدین، ۱۳۹۴: ۴۲۲).

یکی دیگر از چالش‌های تحقیقات مقدماتی جرایم اشخاص حقوقی بحث عدم حضور نماینده شخص حقوقی پس از احضار است. در خصوص اشخاص حقیقی پس از احضار شخص مخاطب احضار، مکلف به حضور در مراجع قضایی است و در صورت عدم حضور متهم جلب خواهد شد.^۱ این موضوع نسبت به اشخاص حقوقی متفاوت است و عدم حضور نماینده شخص حقوقی منتهی به جلب نخواهد شد چون طبق قانون حضور نماینده شخص حقوقی صرفاً جهت تبیین اتهام و انجام تحقیق و دفاع از اتهام انتسابی اشخاص حقوقی است و هیچ یک از محدودیت‌های مقرر برای متهم در خصوص نماینده اعمال نخواهد شد.^۲ چالشی که در این خصوص وجود دارد این است که به فرض اینکه نماینده قانونی یک شخص حقوقی اعم از مدیر، مدیرعامل، رئیس و... خودش مرتکب جرم شده باشد پس از آنکه مراجع قضایی نماینده قانونی را احضار نمایند در چنین حالتی نماینده متوجه خواهد شد که مراجع قضایی آگاه به جرم ارتكابی وی شده‌اند و به دنبال اثبات این جرایم هستند لذا این شخص از حضور در مراجع قضایی خودداری نموده و با توجه به اینکه مراجع کیفری نیز مجوز جلب نماینده قانونی را نخواهند داشت بنابراین نماینده قانونی می‌تواند با خیالی آسوده متواری یا مخفی شود یا آثار جرم را از بین ببرد و یا در جهت منافع خود اقدام به رفتارهایی چون سندسازی و... نماید لذا بهتر بود قانونگذار در جهت جلب نماینده قانونی مواردی را به صورت استثناء پیش‌بینی می‌کرد.

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قبل از پذیرش

۱- م ۱۷۹ ق.آ.د.ک

۲- م ۶۸۹ ق.آ.د.ک

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران بسیاری از محاکم بدون در نظر گرفتن اینکه جرم به نام یا در راستای منافع شخص تحقق پیدا کند مسئولیت کیفری را علاوه بر شخص حقوقی متوجه نماینده نیز می دانستند و در رسیدگی با استناد به قاعده فقهی «من له الغنم فعله الغرم»^۱، نماینده شخص حقوقی را نیز محکوم می کردند.^۲ لیکن پس از پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی^۳ و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ویژه اشخاص حقوقی با توجه به ماده ۶۸۹ مقرر شد محدودیت های مقرر برای متهم در خصوص نماینده قابلیت اجرا نخواهد داشت. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در این زمینه مقرر داشت محدودیت مقرر برای متهم در خصوص نماینده شخص حقوقی قابل اجرا نیست و شاکی نمی تواند از نماینده شخص حقوقی درخواست سوگند یا قسامه نماید.^۴

در خصوص ابلاغ مطابق با ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک اشخاص حقوقی از نظر ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی تابع قانون آ.د.م هستند. چالشی که در این قسمت به ذهن متبادر می گردد این است که چنانچه شخص حقوقی مرتکب جرم گردد و پس از ارتکاب جرم منحل شده و بعد از انحلال جرایم ارتکاب یافته کشف شوند تکلیف چیست و ابلاغ اوراق قضایی چگونه خواهد بود؟ و یا اینکه بسیاری از اشخاص حقوقی علیرغم تکلیف قانونی آخرین محل خود را به اداره ثبت شرکت ها اعلام نمی کنند در چنین حالتی اگر جرمی از ناحیه شخص حقوقی کشف شود وضعیت ابلاغ چگونه خواهد بود؟ در پاسخ می توان گفت که طبق قانون اوراق به آخرین آدرس اعلام شده در محل ثبت شرکت ها ارسال می شود اما این اقدام نیز آثار منفی چون عدم اطلاع شخص حقوقی از تاریخ رسیدگی و رسیدگی غیابی، وخواهی و... و در نهایت اطلاع دادرسی را در پی خواهد داشت.

در قانون فرانسسه قانونگذار تا قبل از ثبت شخص حقوقی هیچ مسئولیت کیفری را برای شخص حقوقی در نظر نگرفته است و چنانچه افراد تشکیل دهنده

۱- هرکس که منفعت برای اوست، خسارت نیز بر عهده او خواهد بود.

۲- دادنامه شماره ۰۰۲۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۸ صادره از شعبه ۱۰۸۲ دادگاه عمومی جزایی تهران.

۳- م ۱۴۳ ق.م.ا.

۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۷۶ مورخ ۹۸/۱۲/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه.

شخص حقوقی قبل از ثبت، مرتکب جرمی شده باشند و این جرم پس از تشکیل شخص حقوقی کشف شود مسئولیت متوجه موسسین شخص حقوقی است و در چنین حالتی ابلاغ نیز صرفاً به شخص حقیقی مرتکب جرم ابلاغ خواهد شد لیکن اگر جرم شخص حقوقی پس از انحلال کشف شود، با توجه به اینکه انحلال مقدمه ورود شخص حقوقی به مرحله تصفیه محسوب می شود و با توجه به اینکه انحلال تا قبل از تصفیه شخصیت، شخص حقوقی را زایل نخواهد کرد بنابر این ابلاغ نیز تا قبل از خاتمه تصفیه به مدیر تصفیه شخص حقوقی ابلاغ خواهد شد و حتی جرایم مرتبط با امر تصفیه از سوی نماینده قانونی شخص حقوقی به حساب شخص حقوقی گماشته خواهد شد. دیوان عالی کشور فرانسه در یکی از آرای خود شخصیت حقوقی شرکت را مستنبط از ماده ۱۳۳-۱۳۱ مجموعه قوانین نوین فرانسه (۱۹۹۲-اصلاحی ۲۰۰۲) تا پایان مدت تصفیه یا برجا تلقی کرده است لذا انحلال شخص حقوقی تا قبل از انجام مرحله تصفیه موجبی برای موقوفی تعقیب نیست (شریفی، ۱۳۹۵: ۸۶).

۲-۳. تبیین اتهام به شخص حقوقی

تبیین در لغت به معنای روشن کردن و آشکار کردن به کار رفته است. (معین، ۱۳۸۳: ۱۰۲۵) و منظور از تبیین اتهام، بیان کردن و توضیح دادن اتهام شخص حقوقی به همراه دلایل و مستندات مربوطه، به نماینده شخص حقوقی است تا نماینده از اتهامات انتسابی شخص حقوقی مطلع شده و در جهت وظایف قانونی خود اقدام به دفاع در مقابل اتهام یا اتهامات انتسابی نماید. قانونگذار در ماده ۶۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می دارد: «پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای او تبیین می شود.» در این ماده قانونگذار واژه ای را خلق کرده که با وجود اینکه بخش های زیادی از این قانون از قانون فرانسه گرفته شده است اما متناظر آن در قانون فرانسه هم دیده نمی شود.

به کار بردن این واژه از خلاقیت تدوین کنندگان بوده و همین که به جای واژه «تفهمیم» اتهام از واژه «تبیین» اتهام استفاده شد نشان از این می دهد شخصی که به نمایندگی شخص حقوقی حاضر می شود متهم نیست و قانونگذار مصمم بوده از واژه متفاوتی استفاده کند که اتهام را برای او تبیین می کنند، در ادامه ماده بیان

شده است محدودیت هایی که در مورد متهم اعمال می شود در مورد نماینده شخص حقوقی اعمال نمی شود. همان طور که از ماده ۶۹۸ ق.آ.د.ک بر می آید امکان تفهیم اتهام برای نماینده شخص حقوقی وجود ندارد و قانونگذار از تبیین اتهام به دلیل متهم نبودن نماینده استفاده کرده است. به نظر می رسد در تفاوت تبیین اتهام و تفهیم اتهام باید قائل به این موضوع بود که در فرض تبیین اتهام، امکان صدور قرار تامین به شخصی که اتهام به او تبیین می شود وجود ندارد لیکن در تفهیم اتهام می توان اقدام به صدور قرار تامین کیفری نمود (نیکو منطری، ۱۳۹۸: ۲۴۴). چالشی که مطرح می شود این است که آیا ضوابط حاکم بر تبیین اتهام همان ضوابط حاکم بر تفهیم اتهام است؟ اگر ضوابط حاکم بر تفهیم اتهام را در خصوص تبیین اتهام نیز جاری بدانیم وضعیت آخرین دفاع چگونه خواهد بود چرا که در بحث شخص حقیقی مطابق با ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک اخذ آخرین دفاع از متهمی صورت می گیرد که به او تفهیم اتهام شده است و در خصوص شخص حقوقی ما اصلاً بحث تفهیم اتهام را نداریم بلکه با تبیین اتهام مواجه هستیم که توسط مقام تحقیق نسبت به نماینده شخص حقوقی انجام می شود.

در خصوص اخذ آخرین دفاع در جرایم اشخاص حقوقی نظرات مختلفی ارائه شده است عده ای بر این باورند که تفهیم اتهام به همراه دلایل مختص اشخاص حقیقی است و در خصوص اشخاص حقوقی تفهیم اتهام قابل تصور نیست بلکه در جرایم شخص حقوقی اتهام به وکیل یا نماینده قانونی آن تبیین می گردد لذا لزومی به اخذ آخرین دفاع در رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی نیست. در پاسخ به این چالش می توان بیان کرد، فلسفه اخذ آخرین دفاع پس از پایان تحقیقات این است که چنانچه متهم یا وکیل در کشف حقیقت یا براءت متهم دلایل و مستندات داشته باشند آنرا ارائه نمایند لذا با این استدلال در مورد اشخاص حقوقی نیز باید به همین نحو عمل کرد و تفهیم اتهام و تبیین اتهام فاقد موضوعیت باشند. و دلیل دیگر اینکه ماده ۲۶۳ ق.آ.د.ک برای اخذ آخرین دفاع حضور متهم یا وکیل او را کافی دانسته است و در صورت حضور هر یک از این افراد آخرین دفاع اخذ خواهد شد لذا الزامی بر حضور متهم که به او تفهیم اتهام شده است وجود ندارد بنابراین در خصوص اشخاص حقوقی نیز لزومی برای وحدت شخصی که به وی تفهیم اتهام

شده است با شخصی که آخرین دفاع از وی اخذ شده است وجود نخواهد داشت. به نظر می‌رسد نظر اخیر با موازین قانونی نزدیک تر بوده و تطابق بیشتری با قانون دارد. (نوبخت، ۱۳۹۶: ۹۴)

۴. قرارهای تامین کیفری شخص حقوقی

قانونگذار با تصویب ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام به نوآوری نموده و قرارهای تامین کیفری را برای اشخاص حقوقی پیش بینی نموده است این ماده مقرر می‌دارد: «در صورت وجود دلایل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است: الف) قرار ممنوعیت بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب) قرار منع تغییر اداری در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.» در ادامه به توضیح این قرارها می‌پردازیم.

۴-۱. قرار ممنوعیت از انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه

ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند

این قرار مختص مواقعی است که موضوع و نوع فعالیت شخص حقوقی زمینه ارتکاب جرم را فراهم نموده است در چنین حالتی مقام قضائی باید آن بخش از فعالیت شخص حقوقی، که امکان مجدد جرم را فراهم می‌سازد ممنوع کند لیکن ممنوع کردن تمام فعالیت شخص حقوقی جایز نیست. (مصدق، ۱۳۹۵: ۶۵) به عنوان مثال اگر یک شخص حقوقی که در حوزه چاپ و نشر کتاب فعالیت می‌کند، چنانچه در ضمن انتشار کتاب اقدام به جعل اسکناس نماید و در این خصوص نزد مقام تحقیق احضار شود با جمع سایر شرایط قانونی می‌توان قرار ممنوعیت از فعالیت شغلی چاپ کتاب که زمینه انتشار جعل اسکناس را فراهم نموده است

صادر کرد تا دامنه قربانیان جرم بیشتر نشود. (جان نثار کهنه شهری، ۱۳۹۵: ۱۱۱) چند ایراد اساسی به این قرار وارد است اولاً اینکه نحوه اجرای این قرار و مراجع صالحی که این قرار باید به آنها اعلام شود مشخص نیست و همچنین نحوه نظارت و مرجع ناظر بر این ممنوعیت نیز مشخص نشده است لذا بهتر بود قانونگذار یا قوه قضائیه در زمان تصویب آیین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت قضائی و تامین قضائی^۱، شیوه اجرا، و نحوه نظارت بر این قرار را مانند قرارهای تامین کیفری اشخاص حقوقی پیش بینی می کرد و موارد مشابهی را نیز برای اشخاص حقوقی در نظر می گرفت.

ثانیاً بر خلاف قرار تامین کیفری بند ب ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک هیچ ضمانت اجرایی برای تخلف از اجرای این قرار توسط قانونگذار مقرر نشده است یعنی مشخص نیست اگر شخص حقوقی، فعالیت هایی را که از طرف دادگاه منع شده است مجدداً انجام دهد چه ضمانت اجرایی خواهد داشت. لذا بهتر بود مقنن چنین مواردی را موجب لغو قرار یا تبدیل قرار منع فعالیت به قرار تامین کیفری شدیدتری می دانست. (نوبخت، ۱۳۹۶: ۱۰۵)

۲-۴. قرار منع تغییر اداری در وضعیت شخص حقوقی

این قرار زمانی صادر می شود که حفظ شرایط شخص حقوقی در زمان تحت تعقیب قرار گرفتن، به منظور انجام تحقیقات مقدماتی، کشف حقیقت، حفظ آثار و دلایل جرم و جبران ضرر و زیان بزه دیدگان احتمالی ضروری است به عنوان مثال یک شرکت خصوصی نسبت به اموال سپرده شده مردم با جعل نوشتجاتی مرتکب خیانت در امانت شده است لذا با احضار متهم و کشف جرم، این شخص حقوقی در صدد اخفای ادله و آثار جرم و تغییر وضعیت شرکت به حالت معمول خواهند بود (جان نثار کهنه شهری، ۱۳۹۵: ۱۱۱). در چنین وضعیتی معمولاً مسئولین شرکت در جهت جلوگیری از دسترسی به اسناد مثبت واهی بودن ادعای آنها و در نتیجه فرار از بار مسئولیت کیفری به دنبال برهم زدن وضعیت شرکت از طرق مختلفی چون انحلال، ادغام با شرکتی دیگر یا تبدیل وضعیت هستند.

۱- ماده ۱۲ و ۱۳ آیین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت قضائی و تامین قضائی

ادغام و تبدیل شخص حقوقی دو حالت شبیه به انحلال هستند ادغام زمانی محقق می‌شود که یک شخص حقوقی شخص حقوقی دیگری را در خود حل می‌کند و یا چند شخص حقوقی در هم حل شده و یک شخص حقوقی جدید به وجود می‌آید. تبدیل شرکت نیز زمانی محقق می‌شود که بدون اینکه شخصیت حقوقی قبلی از بین برود و شخصیت حقوقی جدیدی به وجود آید، شخص حقوقی ساختاری جدید پیدا می‌کند مثل زمانی که یک شرکت سهامی خاص با حفظ شخصیت حقوقی به شرکت سهامی عام تبدیل می‌شود. در چنین مواقعی مقام قضایی با صدور قرار منع تغییر اداری در وضعیت شخص حقوقی، تلاش می‌کند که از امحاء ادله و آثار اتهام و نیز تضييع حقوق بزه دیدگان احتمالی جلوگیری کند. قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل، تغییر غیرارادی در وضعیت شخص حقوقی را شامل نمی‌شود یعنی شرایطی که طی آن به صورتی قهری تغییراتی نظیر ادغام و تبدیل انجام شود که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی، شخص حقوقی شود، مانع از صدور قرار تأمین کیفری می‌شود. به طور کلی تبدیل و ادغام شخص حقوقی نباید مانعی برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی محسوب شود. (موسوی مجاب، ۱۳۹۴: ۱۶۳) به نظر می‌رسد دو قراری که به عنوان قرار تأمین کیفری برای اشخاص حقوقی در ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک مصوب شده است، هرچند تا حدودی فلسفه و هدف تأمین کیفری را تأمین کنند اما اهداف قرارهای تأمین کیفری را به صورت کامل محقق نخواهند کرد. چرا که هدف از قرارهای تأمین کیفری اقداماتی چون دسترسی به متهم حضور به موقع وی و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم است اما به نظر می‌رسد قرارهای پیش بینی شده برای اشخاص حقوقی بیشتر نوعی اقدام تأمینی جهت جلوگیری از ادامه جرم یا گسترش تبعات آن می‌باشد.

اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه ای بیان نموده است، با توجه به ماهیت و فلسفه قرار تأمین کیفری قرارهای تأمین کیفری مختص اشخاص حقیقی است و در خصوص اشخاص حقوقی قابل اجرا نیست^۱ و در نظریه ای دیگر تا حدودی از نظریه اول خود برگشته و بیان نموده است قرارهای تأمین کیفری مندرج

۱- نظریه شماره ۷/۹۴/۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک مختص اشخاص حقیقی است و در مورد اشخاص حقوقی مصداق ندارد لذا در خصوص اشخاص حقوقی در صورت اقتضاء صرفاً باید از قرارهای تامین کیفری ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک بهره جست.^۱ این دو نظر قابل نقد است چون اولاً در خصوص نظریه نخست وقتی قانونگذار به صورت صریح در ماده ۶۹۰ برای اشخاص حقوقی قرار تامین کیفری را مقرر نموده است ارائه نظریه مبنی بر عدم پذیرش قرار تامین کیفری اشخاص حقوقی بلاوجه است و در نقد نظریه دوم باید بیان نمود عدم استفاده از قرارهای مندرج در ماده ۲۱۷ به خاطر عدم تجویز قانونگذار است و الا بعضی از قرارهای مقرر در ماده ۲۱۷ می توانست در خصوص اشخاص حقوقی نیز قابلیت اجرا داشته باشد و قانونگذار می توانست مواردی مثل اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی و مال منقول یا غیر منقول را به عنوان قرار تامین کیفری که قابل تسری به اشخاص حقوقی هستند در نظر بگیرد و با توجه به اینکه این قرارها به طور مستقیم بار مالی برای اشخاص حقوقی داشت، اهداف قرارهای تامین کیفری در مورد اشخاص حقوقی بیشتر محقق می شد (محمدی، ۱۳۹۷: ۵۲).

اکثر اشخاص حقوقی جهت منافع مالی و سودآوری تشکیل می گردند و با توجه به اینکه بیشتر جرایم اشخاص حقوقی جرایم مالی هستند لذا مجازاتهای مالی نسبت به شخص حقوقی می تواند حالت بازدارندگی بیشتری داشته باشد. (Fieberg, 1999 : 97) قانونگذار فرانسه در بحث تامین کیفری اشخاص حقوقی مصادیق بهتری را نسبت به قانون ایران در نظر گرفته و در ماده ۴۵-۷۰۶ تودیع وثیقه، ایجاد اقدامات احتیاطی شخصی یا واقعی برای تضمین حقوق بزه دیده، ممنوعیت صدور چک و استقرار تحت نظارت نمایندگی دادگستری را برای یک دوره شش ماهه قابل تمدید به عنوان تامین های قابل صدور برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است و مقرر داشته در صورت نقض نظارت قضایی موارد ۴۳-۴۳۴ و ۴۳۴-۷ قانون جزا اجرا می شود. (تدین، ۱۳۹۴: ۴۲۳)

۴-۳. کفالت شخص حقوقی

از دیگر نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بحث

۱- نظریه شماره ۵۸۸/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

پذیرش کفالت اشخاص حقوقی است قانونگذار با تصویب تبصره ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک پذیرش کفالت اشخاص حقوقی را مورد تصویب قرار داد تبصره مذکور مقرر می‌دارد: «پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است.»^۱ پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با چالش‌های اساسی همراه است؛ اولین چالش این است که آیا امکان پذیرش کفالت اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد در خصوص اشخاص حقوقی حقوق عمومی نمی‌توان قائل به پذیرش وثیقه یا کفالت گردید به عبارت دیگر اشخاص حقوق عمومی نمی‌توانند ضامن شوند یا کفالت شخصی را بر عهده بگیرند و اموال دولتی را به عنوان وثیقه برای آزادی متهم بسپارند چون چنین حقی برای این دسته از اشخاص حقوقی پیش‌بینی نشده است و اقدامات افراد در این مورد نافذ نیست و حتی ممکن است عاملین چنین اقدامی تحت عنوان سوء استفاده و تصرف در اموال دولتی مورد تعقیب قرار گیرند لذا بهتر بود قانونگذار عدم پذیرش کفالت اشخاص حقوقی عمومی را تصریح می‌کرد.

در خصوص پذیرش کفالت اشخاص حقوقی حقوق خصوصی با توجه به ماده ۲۱۷ و ۲۳۶ ق.آ.د.ک و با توجه به اینکه متهم خودش نیز می‌تواند وثیقه بسپارد می‌توان استفاده کرد که ملاک و هدف اصلی از اخذ این نوع تأمین، گرو گذاشتن مال است بنابراین اگر شخص حقوقی حقوق خصوصی اختیار گرو گذاشتن اموال را داشته باشد کفالت اشخاص از او پذیرفته می‌شود علاوه بر این موضوع در اشخاص حقوقی حقوق خصوصی مثل شرکت‌ها شخصیت و اموال شرکت‌ها از اموال اعضاء مستقل است طبق اصل استقلال شخصیت شرکت از شخصیت و اموال شرکاء مدیر عامل شرکت به عنوان فردی که مسئولیت انجام امور جاری شرکت را بر عهده دارد، چنانچه طبق اساسنامه شرکت این اختیار را داشته باشد می‌تواند اقدام به سپردن وثیقه از طرف شخص حقوقی نماید و در صورت عدم اختیار مذکور در اساسنامه شرکت نمی‌توان قائل به پذیرش کفالت شخص حقوقی گردید.^۲

چالش دیگر را می‌توان در حالت مقایسه فوت کفیل در شخص حقیقی و انحلال

۱- تبصره ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک

۲- ماده ۵۸۸ ق.ت

شخص حقوقی دانست. مطابق با ماده ۲۳۴ ق.آ.د.ک پس از فوت کفیل یا وثیقه گذار قرار قبولی کفالت یا وثیقه گذار منتفی است.^۱ با توجه به اینکه فوت مختص اشخاص حقیقی است اگر شخص حقوقی که قبول کفالت نموده است، قبل از معرفی متهم منحل شود تکلیف چیست آیا می توان انحلال شخص حقوقی را برابر با فوت در شخص حقیقی دانست و قرار کفالت را منتفی به حساب آورد؟ آیا در چنین حالتی متهم موظف به معرفی کفیل جدید است؟ با توجه به اینکه ضوابط حاکم بر کفالت شخص حقوقی همان ضوابط حاکم بر کفالت شخص حقیقی است و قانونگذار در تبصره ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک پذیرش کفالت اشخاص حقوقی را با رعایت ماده ۲۲۱ یعنی ضوابط و شرایط حاکم بر شخص حقیقی مورد تصویب قرار داده و با توجه به اینکه در نظریه غالب افراد انحلال شخص حقوقی در حکم فوت شخص حقیقی است لذا قطعاً پس از انحلال شخص حقوقی متهم مکلف به معرفی کفیل جدید است. در ضمن طبق نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه^۲ تعهد وثیقه گذار و کفیل قائم به شخص بوده لذا در صورت انحلال شخص حقوقی کفالت نیز منتفی است.

نکته دیگر این است که اگر نماینده شخص حقوقی که به نمایندگی، اقدام به پذیرش قرار کفالت نموده تعمداً در موعد مقرر متهم را به مراجع قضایی معرفی نکند و این تعمد برای دادگاه محرز گردد آیا وجه الکفاله از اموال نماینده ضبط خواهد شد؟ با توجه به اینکه نماینده شخص حقوقی به نمایندگی اقدام به پذیرش کفالت نموده است لذا در صورت عدم معرفی متهم شخص حقوقی ضامن خواهد شد چرا که نماینده، به نمایندگی از شخص حقوقی اقدام به پذیرش کفالت نموده است بنابراین می توان در خصوص اموال یا وجه الکفاله شخص حقوقی مطابق با ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک اقدام به ضبط وجه الکفاله نمود لیکن شخص حقوقی می تواند بابت خسارات وارده علیه نماینده خود که تعمداً سبب ورود این خسارات شده است اقامه دعوی نماید.

۵. قراردادهای نهایی شخص حقوقی

پس از پایان تحقیقات مقدماتی مقام تحقیق مکلف است در خصوص انتساب

۱- ماده ۲۳۴ ق.آ.د.ک

۲- نظریه شماره ۷/۹۳/۱۸۳۴ - مورخ ۹۳/۸/۴

یا عدم انتساب اتهام به شخص حقوقی در قالب صدور یک قرار نهایی اظهار عقیده نماید و چنانچه نظر مقام تحقیق بر مجرمیت متهم باشد مکلف است آخرین دفاع را از متهم اخذ نموده و اقدام به صدور قرار جلب به دادرسی نماید و در خصوص سایر قرارهای نهایی نیازی به اخذ آخرین دفاع از متهم نمی باشد (کازمی، ۱۳۹۸: ۳۳۶). چالشی که مطرح می شود این است که در قرارهای نهایی جلب به دادرسی، موقوفی تعقیب، منع تعقیب و قرارهای مساعد به حال متهم وضعیت شخص حقوقی به عنوان متهم چگونه خواهد بود؟ آیا مشابه اشخاص حقیقی با آنها برخورد می شود یا وضعیت صدور این قرارها برای شخص حقوقی متفاوت از شخص حقیقی است.

۵-۱. قرار جلب به دادرسی

این قرار مطابق با ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک زمانی صادر خواهد شد که عمل ارتكابی جرم بوده و علاوه بر آن انتساب این رفتار به متهم با توجه به دلایل کافی و قانع کننده از نظر مقام تحقیق محرز است. پس از صدور قرار جلب به دادرسی در خصوص متهم کیفرخواست صادر شده و از دادگاه صالح تقاضای کیفر می شود. به نظر می رسد با توجه به مجزا بودن مسئولیت کیفری شخص حقیقی از حقوقی باید برای شخص حقوقی کیفرخواست مجزا صادر شود.^۱ لیکن چالش وارده در این است که مطابق با ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک شرایط مقرر برای صدور کیفرخواست، قابل انطباق با اشخاص حقوقی نیست. به عنوان نمونه در کیفرخواست مواردی چون نام پدر، وضعیت تاهل، سابقه محکومیت کیفری، خلاصه پرونده شخصیت و... باید درج شود در حالی که ذکر این موارد برای اشخاص حقوقی امکان پذیر نیست (نیکو منطری، ۱۳۹۸: ۲۴۸). در حال حاضر در رویه قضائی، جهت صدور کیفرخواست اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی اقدام می شود لیکن صرفاً نام شخص حقوقی ذکر می شود و دیگر

۱- در قرار جلب به دادرسی اگر مجرمیت شخص حقیقی و حقوقی محرز شود برای هر دو قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر خواهد شد اما چنانچه فقط مجرمیت شخص حقوقی محرز شود صرفاً نسبت به شخص حقوقی قرار جلب به دادرسی صادر خواهد شد. در دیات در مواردی که نهایتاً شخص حقوقی محکوم به پرداخت دیه است، قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صرفاً برای شخص حقوقی صادر می شود.

موارد از جمله خلاصه پرونده شخصیت، سابقه محکومیت کیفری و... در خصوص این اشخاص ذکر نمی‌شود. لذا جای دارد قانونگذار با پیش بینی های لازم چنین ایراداتی را مرتفع سازد.

۵-۲. قرار موقوفی تعقیب

ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری موارد صدور قرار موقوفی تعقیب را به شرح فوت متهم با محکوم علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، شمول عفو، نسخ مجازات قانونی، شمول مرور زمان، توبه، اعتبار امر مختوم و جنون بیان نموده است.^۱ سوال این است که آیا این موارد در خصوص شخص حقوقی نیز قابلیت اجرا خواهند داشت؟

در خصوص فوت متهم که غالباً برابر با انحلال شخص حقوقی است جریان دعوی عمومی با فوت متهم یا محکوم علیه موقوف می‌شود. از آنجایی که شخص متهم می‌تواند حقیقی یا حقوقی باشد در اشخاص حقوقی نیز موضوع انحلال می‌تواند شایسته بحث و بررسی باشد. با توجه به اینکه اشخاص حقوقی اراده خود را به وسیله اشخاص حقیقی اعمال می‌کنند لذا ارتکاب جرائم شخص حقوقی توسط شخص حقیقی که کسوت نمایندگی دارد در راستای منافع شخص حقوقی ارتکاب پیدا می‌کند و ممکن است شخص حقیقی نیز در ارتکاب جرم دخیل باشد، با فوت شخص حقیقی که غالباً نماینده شخص حقوقی است قرار موقوفی تعقیب در مورد شخص حقیقی صادر می‌شود و نسبت به شخص حقوقی تحقیقات ادامه پیدا می‌نماید و چنانچه مقام تحقیق ارتکاب جرم از ناحیه شخص حقوقی را احراز نماید نسبت به شخص حقوقی قرار جلب به دادرسی صادر خواهد کرد.

در خصوص فوت نسبت به اشخاص حقوقی باید عنوان نمود که اگر چه نمی‌توان اشخاص حقوقی را مانند اشخاص حقوقی با اعدام سلب حیات نمود اما می‌توان با ضمانت اجرای انحلال که به مثابه مجازات مرگ است آنها را از گردونه اجتماع خارج کرد. (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۰۹) به طور کلی در مواردی که اشخاص حقوقی تحت تعقیب کیفری قرار دارند، از آنجایی که فوت به معنای مصطلح درباره ایشان مصداق

۱- ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.

ندارد اما این اشخاص ممکن است به دلایل مختلف «انحلال» یابند. این انحلال می‌تواند به صورت ارادی یا غیر ارادی باشد، انحلال غیر ارادی به مثابه فوت شخص حقوقی تلقی می‌گردد. (سماواتی، ۱۳۹۷: ۳۲۹) ماده ۶۹۲ ق.آ.د.ک در مورد انحلال غیر ارادی مانند ورشکستگی یا انحلال براساس حکم دادگاه اشعار دارد: «در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود». اما انحلال به صورت ارادی از آنجایی که ممکن است برای فرار از مسئولیت کیفری و مجازات از سوی اداره کنندگان شخص حقوقی انجام شود، براساس مفهوم مخالف ماده از موجبات سقوط دعوی عمومی محسوب نمی‌گردد. (قدسی و فاضلی، ۱۳۹۹: ۲۳۳) در این صورت شخص حقوقی حتی در صورت انحلال می‌تواند رسیدگی کیفری وی پی گرفته شده و این شخص به مجازاتهای ماده ۲۰ ق.م.ا.محکومیت یابد. البته قابل ذکر است در صورت ادامه تعقیب شخص حقوقی پس از انحلال علاوه بر مجازات های مندرج در بند ب ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک صرفاً بعضی از مجازات های مندرج در ماده ۲۰ ق.م.ا. در خصوص شخص حقوقی قابلیت اجرا دارند و تنها می‌توان مصادره اموال و و جزای نقدی را در خصوص آن اعمال نمود و سایر مجازات ها مثل ممنوعیت از دعوت عمومی برای جلب سرمایه و یا ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری در خصوص شخص حقوقی منحل شده قابل اعمال نیست.

در بحث گذشت شاکی نسبت به اشخاص حقوقی در جرایم قابل گذشت باید عنوان نمود اگر شاکی نسبت به شخص حقیقی گذشت نماید نسبت به او قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد و نسبت به شخص حقوقی رسیدگی ادامه پیدا خواهد کرد و اگر صرفاً از شخص حقوقی گذشت نماید تنها نسبت به شخص حقوقی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد بنابراین با توجه به اینکه گذشت شاکی در جرایم غیرقابل گذشت موجب تخفیف است، گذشت در جرایم قابل گذشت، می‌تواند منجر به سقوط مجازات اشخاص حقوقی مانند اشخاص حقیقی باشد. در این زمینه باید توجه نمود که گذشت در مورد شخص حقیقی لزوماً منتهی به سقوط مجازات شخص حقوقی نخواهد بود و گذشت باید مجزا در مورد شخص حقوقی اعلام شود.^۱

۱- برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید به، اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی ۲، انتشارات میزان، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۳، ص ۷۱.

عفو، نسخ مجازات و مرور زمان سه عامل در موقوفی تعقیب به شمار می‌روند که هر سه مورد مشمول شخص حقوقی می‌شوند و وجود هر یک از آنها سبب موقوفی تعقیب شخص حقوقی خواهند شد. در بحث عفو دو موضوع عفو عام و عفو خاص را داریم. عفو خاص در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ ق.ا. و ماده ۱۰۶ ق.م.ا. پیش بینی شده و با توجه به اینکه در موارد مذکور بحث محکومان به صورت عام مطرح است می‌توان نتیجه گرفت که عفو خاص از جانب مقام رهبری مشمول شخص حقوقی نیز می‌شود لیکن عفو شخص حقیقی به معنای عفو شخص حقوقی نیست و هنگامی شخص حقوقی مشمول عفو است که مشخصاً خود شخص حقوقی مورد عفو قرار گیرد. (عاشوری، ۱۳۹۶: ۳۸)

در سیستم حقوق کیفری فرانسه نیز عفو عام و خاص در مورد اشخاص حقوقی به موجب ماده ۱-۱۳۳ قانون جزا مانع اجرای مجازات و یا موجب توقف اجرای مجازات خواهد شد.

در بحث نسخ مجازات چون وصف عنوان مجرمانه حذف می‌شود بنابراین موقوفی تعقیب هم شامل شخص حقیقی شده و هم شخص حقوقی را مشمول می‌گردد. همچنین اگر جرم ارتكابی مشمول مرور زمان شود مجازات شخص حقیقی و حقوقی ساقط شده و در خصوص هر دو شخص قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد. یکی دیگر از موارد قرار موقوفی تعقیب توبه است، توبه در خصوص اشخاص حقوقی قابلیت تحقق نخواهد داشت چرا که توبه از اموری است که مختص اشخاص حقیقی است و در مورد شخص حقوقی منتفی است، توبه مربوط به شخصیت مرتکب و حالت وجدانی او است پس امکان احراز آن نزد شخص حقوقی وجود ندارد. علاوه بر آن توبه مربوط به ساقط شدن مجازات‌های حدی به استثنای قذف است و با عنایت به اینکه مجازات‌های تعیین شده برای شخص حقوقی تعزیری هستند لذا با توجه به ماده ۱۱۵ ق.م.ا. توبه در تعزیرات از درجه ۱ تا ۵ صرفاً سبب تخفیف مجازات می‌شود و تنها در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ سبب سقوط مجازات می‌شود مشروط بر اینکه ندامت و اصلاح مرتکب برای قاضی محرز شود. (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۵۹) لذا با توجه به اینکه امکان ندامت و اصلاح شخص حقوقی قابل تشخیص نیست لذا توبه در اشخاص حقوقی قابل تصور نمی‌باشد.

جنون حین ارتکاب جرم نیز از دیگر موارد صدور قرار موقوفی تعقیب است، جنون از مواردی است که مختص شخص حقیقی است و در خصوص شخص حقوقی قابل تصور نیست اما اگر نماینده شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود و در حین ارتکاب جرم مجنون بوده باشد برای شخص حقیقی و حقوقی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد شد. اگر جنون نماینده پس از ارتکاب جرم یا در حین تعقیب و پس از صدور رای باشد با شخص حقیقی طبق تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک و ماده ۱۱۵ ق.م.ا رفتار خواهد شد، در خصوص شخص حقوقی تعقیب ادامه پیدا خواهد کرد و توقف تحقیقات نسبت به شخص حقیقی مانع انجام تحقیقات و رسیدگی به اتهامات شخص حقوقی نخواهد بود.

۵-۳. قرار منع تعقیب

قرار منع تعقیب برای اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی زمانی صادر می شود که رفتار انتسابی جرم نبوده و یا اینکه ادله کافی برای اثبات جرم وجود نداشته باشد.^۱ با توجه به اینکه ارتکاب رفتار مجرمانه شخص حقوقی توسط اشخاص حقیقی که کسوت نمایندگی شخص حقوقی را دارند تحقق پیدا می کند لذا در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن شخص حقوقی، نماینده قانونی شخص حقوقی نیز که به نام و یا راستای منافع شخص حقوقی اقدام نموده تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. یکی از چالش هایی که در خصوص قرار منع تعقیب شخص حقوقی وجود دارد این است که اگر نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود و سپس علیه نماینده قانونی و شخص حقوقی اقامه دعوی گردد و در نهایت برای نماینده قانونی که شخصی حقیقی است قرار منع تعقیب صادر شود، آیا این قرار شامل شخص حقوقی هم می شود و در مورد شخص حقوقی نیز باید قرار منع تعقیب صادر شود یا خیر؟ و چالش دیگر این است که اگر در مورد شخص حقوقی قرار منع تعقیب صادر شود وضعیت نماینده قانونی شخص حقوقی چگونه خواهد بود آیا در خصوص او نیز باید قائل به قرار منع تعقیب شویم؟ به نظر می رسد در خصوص پاسخ به سوال و چالش اول باید حالت های

۱- ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک.

مختلف را متصور شد؛ ابتدا اینکه اگر قرار منع تعقیب صادره برای شخص حقیقی که در کسوت نمایندگی قرار دارد به دلیل جرم نبودن عمل صادر گردد لزوماً باید نسبت به شخص حقوقی نیز اقدام به صدور قرار منع تعقیب کرد چرا که مجرمیت شخص حقوقی از رفتار نماینده قانونی آن نشأت می‌گیرد. در این پاسخ نیز با چالش دیگری مواجه خواهیم شد که اگر شاکی در جرایم قابل گذشت از شخص حقوقی و نماینده قانونی آن شکایت کند و پس از انجام تحقیقات قاضی به این نتیجه برسد که شخص نماینده که به عنوان متهم احضار شده مرتکب جرم نشده است بلکه نماینده قانونی دیگر شخص حقوقی به نام و در راستای منافع آن مرتکب جرم شده است لذا نسبت به نماینده احضار شده قرار منع تعقیب صادر نماید در این حالت وضعیت چگونه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد در این حالت قاضی باید به اتهامات شخص حقوقی رسیدگی کند و نمی‌تواند قرار منع تعقیب شخص حقوقی را صادر نماید چرا که ادله کافی برای انتساب اتهام به نماینده دیگر شخص حقوقی وجود دارد لیکن می‌تواند نماینده قانونی متهم را صرفاً به عنوان مطلع احضار نماید چرا که جرم از جرایم قابل گذشت است و تا زمانی که شاکی علیه نماینده قانونی دیگر که اتهامات منتسب به اوست اقدام به طرح شکایت نکند دادگاه نمی‌تواند وی را به عنوان متهم احضار نماید.

در ادامه پاسخ به چالش اول حالت دیگری نیز قابل تصور است و آن زمانی است که قرار منع تعقیب شخص حقیقی که نماینده شخص حقوقی است به لحاظ عدم کفایت ادله صادر می‌شود در چنین حالتی لزوماً باید برای شخص حقوقی نیز قرار منع تعقیب صادر شده و چنانچه اگر در آینده دلیل جدیدی علیه شخص حقیقی کشف شود در اجرای ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک می‌توان اقدام به تعقیب شخص حقیقی و حقوقی نمود. حتی اگر قرار منع تعقیب برای شخص حقیقی و حقوقی صادر شود و شاکی به قرار منع تعقیب شخص حقیقی اعتراض کند و دادگاه قرار منع تعقیب صادره را نقض کند و اقدام به صدور قرار جلب به دادرسی شخص حقیقی نماید قرار منع تعقیب شخص حقوقی نیز نقض خواهد شد چرا که نقض قرار منع تعقیب شخص حقیقی به منزله کشف دلایل جدید است و لذا در راستای ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک می‌توان پرونده را به جریان انداخت. در حالت دیگر اینکه اگر

برای شخص حقیقی و حقوقی قرار منع تعقیب صادر شود و سپس قرار صادره در مورد شخص حقوقی مورد اعتراض قرار گیرد به نظر می‌رسد این اعتراض قابل رسیدگی نباشد چرا که رسیدگی به اتهام شخص حقوقی متوقف بر رسیدگی به اتهام شخص حقیقی است. (عابدی، ۱۳۹۸، ۴۸۶)

در پاسخ به سوال و چالش دوم ابتدای بحث به نظر می‌رسد صدور قرار منع تعقیب برای شخص حقوقی لزوماً به معنای صدور این قرار برای شخص حقیقی نیست زیرا محتمل است که رفتار ارتكابی جرم بوده و قابلیت انتساب به شخص حقیقی را داشته اما به نام یا در راستای شخص حقوقی نباشد.

۴-۵. قرار های مساعد به حال متهم

از دیگر نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی قرارهای بایگانی پرونده و تعلیق تعقیب در مواد ۸۰ و ۸۱ است که از قرارهایی هستند که مساعد به حال متهم می‌باشند. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا صدور چنین قرارهایی مشمول اشخاص حقوقی نیز می‌شوند؟ شرط صدور چنین قرارهایی احراز اموری مانند فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری متهم، ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق او است، لذا اولاً در بحث قرار بایگانی پرونده، وضعیت سوابق کیفری شخص حقوقی قابل بررسی است ثانیاً با توجه به ماهیت شخص حقوقی نوع مجازات های این اشخاص به نحوی است که اساساً مجازات تبعی ندارد و مشمول مواد ۲۵ و ۲۶ تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا نخواهد شد. لذا به نظر می‌رسد صدور قرار بایگانی پرونده برای اشخاص حقوقی بلامانع است. در خصوص تعلیق تعقیب نیز به نظر می‌رسد این قرار نسبت به اشخاص حقوقی قابل اجرا بوده و به این دلیل که قرار تعلیق تعقیب در جرایمی است که تعلیق اجرای مجازات نسبت به آنها امکان داشته باشد، مجازات های اشخاص حقوقی نیز قابلیت تعلیق اجرای مجازات را با احراز شرایط مقرر قانونی دارد.

برآمد

شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اقدام موثری بود که توسط قانونگذار در جهت شناسایی و مجازات اشخاص حقوقی مجرم انجام شده اما این اقدام مفید زمانی به نتیجه مطلوب خواهد رسید که آیین دادرسی مختص جرایم این اشخاص نیز از کیفیت و تکامل کافی برخوردار باشد با توجه به وجه افتراقی تعقیب و رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی بدیهی است که این اشخاص نیازمند آیین دادرسی مختص خود می باشند لیکن قوانین پیش بینی شده برای این اشخاص می بایست به نحوی تنظیم شوند که نه تنها راه گریز اشخاص حقوقی بزهکار را سد نماید بلکه با توجه به ماهیت این اشخاص در پیشگیری از وقوع جرایم شخص حقوقی نیز تاثیر بالایی داشته باشد. به طور کلی با توجه به مباحث مطرح شده هر چند در پایان هر چالش راهکارهای موثری ارائه گردید لیکن در این پژوهش اگر با یک نگاه انتقادی به تحقیقات مقدماتی اشخاص حقوقی بپردازیم به این نتیجه خواهیم رسید که آیین دادرسی کیفری اشخاص حقوقی که صرفاً مشتمل بر ۹ ماده می شود نیازمند اصلاح از طرف قانونگذار است و ضروری است موارد ذیل مورد اصلاح قرار گرفته و در جهت رفع ایرادات و چالش های ذیل اقدامات لازم به عمل آید.

۱- مواد مقرر شده در دادرسی اشخاص حقوقی (از ماده ۶۸۸ تا ماده ۶۹۶) پاسخگوی دادرسی اشخاص حقوقی نیست و ضروری است قانونگذار دادرسی اشخاص حقوقی را به طور مجزا یا به نحو مفصل تری مورد تصویب قرار دهد و یا اینکه به فراخور موضوع مورد بحث ذیل هر ماده یا مقرره طی تبصره یا بندی تفاوت های رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی با حقیقی بیان گردد مثلاً قرار های مربوط به تامین کیفری اشخاص حقوقی در فصل مربوط به قرارها آورده شود.

۲- در کشف جرم اشخاص حقوقی قانونگذار مقرره خاصی را مورد تصویب قرار نداده است و قائل به فرایند کشف جرم مطابق با جرایم اشخاص حقیقی است لیکن جرایم شخص حقوقی از حیث شکلی و ماهیتی بسیار متفاوت با اشخاص حقیقی است. جرایم اشخاص حقوقی جلوه ای نوین از جرایم و بزهکاری عصر حاضر است و طرق ارتکاب این جرایم و نحوه اثبات آنها متفاوت از جرایم سنتی است. لذا

کشف این جرایم نیازمند ضابطین خاص و آموزش دیده است، حتی بهتر است مقام تحقیق و قضاتی که وظیفه تحقیق و رسیدگی به جرایم شخص حقوقی را بر عهده دارند از افرادی انتخاب شوند که آموزش‌های لازم در رسیدگی به این جرایم دیده باشند و علاوه بر آن به سایر علوم نیز آشنایی نسبی داشته باشند.

۳- با توجه عبارت «در صورت اقتضا» که در ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک بکار رفته است، استفاده از قرارهای تامین کیفری پیش بینی شده مختص اشخاص حقوقی، «اختیاری» است. قانونگذار از قرارهای تامین کیفری متنوعی برای اشخاص حقوقی استفاده نکرده و قرارهای پیش بینی شده اهداف قرارهای تامین کیفری را به صورت کامل محقق نخواهد کرد چرا که این قرارها بیشتر از آنکه با اهداف قرارهای تامین کیفری سازگار باشند، نوعی اقدامات تامینی جهت پیشگیری از ادامه جرم و گسترش تبعات آن به شمار می آیند در حالی که قانونگذار می توانست از قرارهای متنوع دیگری از جمله ضمانت اجراهای مالی و وثیقه برای اشخاص حقوقی استفاده کند که قطعاً به اهداف قرارهای تامین کیفری نزدیک تر بود و با ماهیت اشخاص حقوقی نیز سازگارتر است علاوه بر این موارد در بند الف ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک ضمانت اجرای خاصی برای عدم تبعیت شخص حقوقی از قرار تامین کیفری صادره پیش بینی نشده است و لازم است قانونگذار همانند قرار تامین کیفری پیش بینی شده در بند ب ماده مذکور نسبت به بند الف نیز اقدام به تعیین ضمانت اجرا نماید. در ضمن با توجه به نص صریح قانون مبنی بر پذیرش قرار تامین کیفری اشخاص حقوقی نظریه شماره ۷/۹۴/۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۷ اداره حقوقی قوه قضائیه مبنی بر مغایر بودن صدور قرار تامین کیفری علیه اشخاص حقوقی با اهداف و فلسفه صدور قرارهای تامین کیفری، برداشت صحیحی در برابر قانون نخواهد بود. و نکته آخر اینکه علیرغم اینکه قانونگذار مهلت اعتراض به قرارهای تامین کیفری اشخاص حقوقی را در ماده ۶۹۰ ده روز تعیین نموده است لیکن مرجع صالح به اعتراض را مشخص ننموده و به نظر می رسد در این زمینه باید به عموماًت ق.آ.د.ک متوسل شد.

۴- در تبصره ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک در بحث کفالت قانونگذار بدون پیش بینی وضعیت‌های مختلف، اقدام به پذیرش کفالت اشخاص حقوقی نموده است. به عنوان نمونه مشخص نکرده است که آیا تمامی اشخاص حقوقی می توانند اقدام به کفالت

نمایند یا خیر، چون به نظر می‌رسد امکان پذیرش کفالت اشخاص حقوقی حقوق عمومی وجود ندارد. همچنین حالات خاص شخص حقوقی در این تبصره متصور نشده است. به عنوان نمونه مشخص نیست اگر شخص حقوقی که قبول کفالت کرده است منحل شود تکلیف چیست؟ هر چند با توجه به مطالب ذکر شده در مباحث قبلی به نظر می‌رسد با انحلال شخص حقوقی به مثابه فوت شخص حقیقی قرار کفالت نیز لغو می‌شود.

منابع

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی ۲*، چاپ سی و دوم، تهران، انتشارات میزان
- تدین، عباس (۱۳۹۴)، *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*، چاپ سوم، انتشارات خرسندی
- پورباقرانی، حسن، سیفی، مهدیه (۱۳۹۴)، *گونه شناسی مجازات اشخاص حقوقی*، مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۹
- جان نثار کهنه شهری، علی (۱۳۹۵)، *بررسی نوآوری های قرارهای تامین کیفری و نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تبریز
- جعفری، امین (۱۳۸۶)، *ابراز پیشیمانی از ارتکاب جرم اقتصادی در حقوق فرانسه*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۱
- جعفری هرندی، محمد (۱۳۸۴)، *جایگاه شخصیت حقوقی*، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی بابل، شماره ۱
- حیدری علی ابادی، ابراهیم، حیدری، الهام (۱۳۹۴)، *پذیرش کفالت اشخاص حقوقی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲*، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری در بوته نقد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه
- سالی اس.سیمپسون (۱۳۹۵)، *جرایم شرکتی، قانون و کنترل اجتماعی*، ترجمه دانش ناری، حمیدرضا، چاپ اول، انتشارات میزان
- سماواتی، حشمت الله (۱۳۹۷) *درآمدی بر جرائم شرکت های تجارتمی در حقوق ایران*، چاپ اول، انتشارت خط سوم
- شریفی، محسن (۱۳۹۴) *مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان*، چاپ اول، انتشارات میزان
- شریفی، محسن (۱۳۹۵)، *مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و فرانسه*، دوفصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۷۵ و ۷۶

- شریفی محسن و همکاران (۱۳۹۲)، *دگرگونی های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲
- شکریان، مرضیه (۱۳۹۰)، *تعقیب جرم شرکتی*، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- عابدی، احمد رضا (۱۳۹۸)، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، مرکز آموزش قوه قضائیه
- عاشوری، علی اصغر، صادق نژاد، مجید (۱۳۹۶)، *گزارشی از همایش مسئولیت کیفری و آیین دادرسی اشخاص حقوقی*، چاپ دوم، پژوهشگاه قوه قضائیه
- عباسی، بیژن (۱۳۹۲)، *حقوق اداری*، چاپ دوم، نشر دادگستر
- عباسی، محمود (۱۳۸۸)، *مطالعه تطبیقی مسئولیت ناشی از خون های آلوده در نظام حقوقی ایران و فرانسه*، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۸
- قدسی، ابراهیم، فاضلی، حسین (۱۳۹۹)، *چالشهای تحقیقات مقدماتی جرایم اشخاص حقوقی*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۱
- کاظمی، سیدسجاد (۱۳۹۸)، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، انتشارات مجد
- معین، محمد (۱۳۸۳)، *فرهنگ فارسی*، جلد اول، انتشارات امیر کبیر
- محمدی، ناصر (۱۳۹۷)، *رسیدگی کیفری افتراقی به اتهام شخص حقوقی*، چاپ اول، نشر ترخون
- مصدق، محمد (۱۳۹۷)، *قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی و قرارهای نهایی*، چاپ دوم، انتشارات جنگل
- موسوی مجاب، سید درید، رفیع زاده، علی (۱۳۹۴)، *ضمانت اجرای اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۶۹
- موسوی مجاب، سید درید، رفیع زاده، علی (۱۳۹۴)، *دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی*، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۳

- نوبخت، سجاد (۱۳۹۶)، *تحولات مسئولیت کیفری و دادرسی کیفری در حقوق ایران*، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرمشناسی، تهران: دانشگاه علوم قضائی

- مهدوی پور اعظم، شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۴)، *نقش مخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم اقتصادی*، مقتضیات و موانع، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۰

- یارمحمدی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، *ابلاغ اوراق قضائی به اشخاص حقوقی*، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

- Candeub , Adam,(2006), CRIMINAL LIABILITY OF CORPORATIONS—COMPARATIVE JURISPRUDENCE. Anca Iulia Pop.Michigan State University College of Law.Professor.Spring.
- Fieberg, Gerhard, “National Developments in Germany: An Overview”, in: Albin Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities, International Colloquium, Berlin, 4-6 May 1999
- Emmanuel ROGER COMMENT PRÉVENIR LE RISQUE PÉNAL DANS L’ENTREPRISE ACCOUNTANCY & TA,2003
- Sénat (www.Senat.fr); Les repentis face à la justice. Service des étudesjuridiques;Juin 2003
- Deckert, K (2011); Corporate Criminal Liability in France in: Pieth, Mark pieth & Ivory, Radha; Corporate Criminal Liability, Springer